

سخن

نادیده گرفتن معلولان در کتابخانه‌های عمومی مشهد

دکتر محمد حسین دینانی

معلولیت پدیده‌ای است که همواره در بین مردمان کشورهای مختلف وجود داشته و در هر زمان متناسب با برداشتهای خاص اجتماعی، با افراد معلول رفتار می‌شده است. سه دوره تاریخی از رفتارهای متفاوت با معلولان شناسایی شده است:

الف. دوره اول که افکار داروینیسیم و فاشیسم رایج بود و مدعی بودند معلول فاقد هرگونه قدرت و توانایی برای اداره امور است، لذا باید او را از صحنه اجتماعی دور نگاهداشت. در این دوره، معلولان از جامعه طرد می‌شدند، برخورد با آنها نامناسب بود و گاه آنها را از بین می‌بردند.

ب. دوره دوم، دوران پس از جنگ جهانی اول و دوم بود. معلولان جنگی بسیار زیادی که همگی به نحوی داری نقص عضو بودند، به دیگر معلولان افزوده شدند. در این دوران اندیشه قدردانی و حمایت از کسانی که برای وطنشان معلول شده‌اند رواج یافت و حمایت‌های درمانی یا مالی از معلولان در برنامه‌های دولتها گنجانده شد. دوره سوم، دورانی است که اندیشه سرمایه انسانی فراتر از سرمایه‌های مادی رواج یافت. در این نوع دیدگاه، معلولان بخشی انکارناپذیر از جامعه تلقی می‌شوند و باید برای سلامت بیشتر جامعه به آنها نیز فرصتهای برابر با افراد سالم داده شود تا به عنوان افرادی تأثیرگذار در تحولات جامعه مشارکت داشته باشند، به جامعه بهره دهند و از جامعه بهره گیرند. با رواج این دیدگاه، نگرش سنتی جامعه، شامل توجه به معلولان ناشی از ترحم و دلسوزی، کنار گذاشته شد و رسیدگی به معلولان در برنامه‌های دولتها

جای گرفت.

با اعلام سالهای ۱۹۸۲ تا ۱۹۹۳ توسط سازمان ملل متحد به عنوان دهه مشارکت معلولان در زندگی اجتماعی و اعلام روز سوم دسامبر هر سال به عنوان روز جهانی معلولان، توجه به پیشگیری از معلولیت و تلاش برای افزایش توانبخشی افراد معلول در قالب مناسب‌سازی شرایط اجتماعی و شرایط فیزیکی برای معلولان در همه کشورها شدت یافت. در این راستا، امضای کنوانسیون حقوق معلولان از سوی جمهوری اسلامی ایران، زمینه‌های مناسب را برای ارائه شرایط اجتماعی و فیزیکی مناسب معلولان فراهم آورده است. آثار این موارد در معابر و مکانهای عمومی ایران از جمله برخی کتابخانه‌های عمومی، دیده می‌شود.

یادآور می‌شود، حدود ۱۲ تا ۱۳ میلیون ایرانی به علت صدمات ناشی از جنگ، نارساییهای ذهنی، جسمی و حسی، معلول به شمار می‌روند. این نارساییها و برخی موانع فیزیکی و اجتماعی، آنان را همواره از اجتماعاتی مانند کتابخانه‌ها دور نگه داشته است، حال آنکه این قشر از جامعه برای همخوان شدن با تحولات اجتماع از طریق دسترسی به اطلاعات، گذراندن اوقات فراغت خود و تعامل با سایر شهروندان، نیازمند امکانات کتابخانه‌ای در سطح استاندارد می‌باشند. این موردی است که به‌طور رسمی و بر روی کاغذ توسط هدف‌گذاران و برنامه‌ریزان کتابخانه‌های عمومی درج شده است.

در تحقیقی که به منظور سنجش کم و کیف برنامه‌های کتابخانه‌های عمومی برای معلولان در مشهد انجام شد، پرسشنامه‌ای با تعداد قابل توجهی پرسش که همگی جزئی از خدمات کتابخانه برای معلولان بودند تهیه و در اختیار مسئولان ۲۱ کتابخانه عمومی مشهد قرار داده شد. اولین پرسش در این پرسشنامه این بود که « آیا کتابخانه برای معلولان برنامه‌های مشخصی را دنبال می‌کند؟ » هر ۲۱ کتابخانه به این پرسش پاسخ منفی دادند و بر این اساس، ضرورتی نداشت که به دیگر پرسشهای آمده در پرسشنامه

پاسخ داده شود^۱.

آشکار نیست که این نوع پاسخ نشان‌دهنده بی‌اطلاعی مسئولان از هدفها و برنامه‌ها و اقدامهای انجام شده برای معلولان در کتابخانه‌های عمومی است یا نشانگر واقعیتی است که فاصله بین هدفهای آمده در اسناد رسمی و آنچه در عمل انجام می‌گیرد را می‌نماید. امید است کتابداران تحصیل‌کرده که در یکی دو سال گذشته در کتابخانه‌های عمومی کار حرفه‌ای خود را شروع کرده‌اند، حرکت عملی در راستای هدفهای کتابخانه‌های عمومی را سرلوحه کارشان قرار دهند.



۱. نصیری مقدم، محمد. «ارزیابی توان کتابخانه‌های عمومی شهر مشهد در پاسخگویی به نیازهای فیزیکی و اطلاعاتی معلولان بر اساس استانداردهای جهانی و کشوری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد کتابداری. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی، زمستان ۱۳۹۰.